



معلم مقتدر

محمد رضا توحیدی / تصویر ساز: سید میثم موسوی

← **قدرت کاریزماتیک معلم، در کنار قدرت تخصص، کیفیت کار او را افزایش خواهد داد و دیگر نیازی نیست معلم از قدرت‌های قانونی، تنبیه و پاداش استفاده کند.**

وجود سه مؤلفه رفتار در کلاس درس، یعنی **رفتار مهربانانه** (به دور از تحقیر و سرزنش) **رفتار عادلانه** (به دور از تبعیض و خودمحوری) و **رفتار مقتدرانه** (به دور از تنبیه، تهدید و فریاد زدن)، در کنار یکدیگر، می‌تواند به پذیرش شخصیت معلم توسط دانش‌آموزان کمک کند.

در این مقاله تلاش می‌کنیم درک مناسبی از رفتار مقتدرانه و تفاوت‌های آن با استبداد در کلاس درس ایجاد کنیم. برای درک بهتر تفاوت رفتار مقتدرانه و مستبدانه، باید به

تفاوت دو مفهوم قدرت و سلطه اشاره کرد. از نظر **میشل فوکو**، قدرت نوعی ویژگی است که بعضی افراد می‌توانند به کمک آن کمابیش رفتار دیگران را تعیین کنند، ولی نه به صورت جامع و مانع، و الزام و اجبار. اما استفاده از زور و اجبار و تهدید، و نبود آزادی برای مخالفت با قدرت، سلطه را در پی خواهد آورد.

سلطه معلم در کلاس درس مقاومت و نارضایتی دانش‌آموزان را به همراه خواهد داشت و گروه‌هایی غیررسمی را علیه معلم در کلاس درس تشکیل خواهد داد. اقتدار استبدادی معلم نمی‌تواند از او شخصیتی کاریزماتیک بسازد.

اقتدار معلم در کلاس درس را می‌توان به دو دسته «اقتدار طبیعی و اقتدار

منطقی» تقسیم کرد.

بسیاری از معلمان قدیمی، با وجود آنکه از اصول ارتباط مؤثر آگاهی نداشتند، به دلیل داشتن اقتدار طبیعی، توانایی تسلط بدون خشونت بر کلاس درس را داشتند. اگر به دوره دانش‌آموزی خود برگردیم، احتمالاً این معلمان، با وجود اینکه از ابزارهای تنبیه استفاده نمی‌کردند، کلاس‌هایی را تحت کنترل داشتند و احتمالاً ما هنوز آن‌ها را دوست داریم. اما تأکید بیشتر ما در این مقاله به اقتدار منطقی معلم است.

اقتدار منطقی

اقتدار منطقی معلم می‌تواند از طریق بعضی از دستورالعمل‌ها و رعایت بعضی از



اصول روان‌شناختی ایجاد شود. اصلی‌ترین فعالیت برای افزایش اقتدار منطقی معلم، مشخص شدن قانون‌ها و پیامدهای رعایت نشدن آن‌هاست. رعایت سه شرط زیر برای طراحی قانون‌ها اهمیت بالایی دارد:

۱. توافق قانون‌های وضع‌شده بین معلم و دانش‌آموزان و پذیرش پیامدهای سرپیچی دانش‌آموزان از آن‌ها؛
۲. اخلاقی بودن قانون‌ها و پیامدهای مشخص رعایت نکردن آن‌ها؛
۳. عادلانه بودن قانون‌ها و متناسب بودن تخلف و برخورد معلم با آن‌ها.

وضع قانون‌های خوب در کلاس درس کافی نیست. چه بسیاری از قانون‌هایی اخلاقی، عادلانه و مورد توافق همه که پیاده نمی‌شوند. کلیدی‌ترین نکته در حفظ اقتدار معلم در کلاس درس، اصرار و پافشاری روی قانون‌های وضع‌شده است. (اگر قانون‌های وضع‌شده سه شرط بالا را داشته باشند، معلم نباید از اینکه روی آن‌ها بایستد نگران باشد). اولین باری که معلم قانون‌های تعیین‌شده را زیر پا می‌گذارد، اولین اجرهای دیوار اقتدار خود را بر می‌دارد. وقتی دانش‌آموزان رفتاری برخلاف قواعد و قانون‌های کلاسی انجام می‌دهند، مهم است که معلم مقتدرانه و نه مستبدانه، طبق قراری که با دانش‌آموزان گذاشته است، روی اجرای قانون مشخص شده بایستد. در صورت اهمیت ندادن معلم به قانون، هم قانون و هم خود معلم اثر لازم را از دست خواهند داد. به قول معروف، هر قانونی را تبصره‌هایش می‌توانند از بین ببرند.

در سال ۲۰۱۲ در مجله معتبر ساینس، مقاله‌ای با عنوان «گسترش اغتشاش» چاپ شد که به یک آزمایش در شهر گرینینگر هلند مربوط است. این آزمایش با هدف پیدا کردن علت شکستن قانون‌ها انجام شده است. برای آن‌ها مهم بود که موقعیت‌ها در رعایت قانون‌ها چه نقشی دارند؟ در گوشه‌ای از یک خیابان که مردم

دوچرخه‌های خود را آنجا پارک می‌کنند، دیواری وجود داشت که روی آن تابلوی «روی دیوار نقاشی نکشید» نصب شده بود. در این تحقیق، تبلیغات یک مؤسسه ورزشی را روی دوچرخه‌های پارک‌شده می‌چسبانند تا ببینند چه درصدی از مردم قانون‌شکنی می‌کنند و کاغذ را روی زمین می‌اندازند. در زمانی که روی دیوار گفته‌شده، چیزی کشیده نشده بود، ۳۳ درصد از مردم کاغذ را همان‌جا روی زمین انداختند، اما زمانی که با وجود تابلوی نقاشی نکشید، دیوار پر از نقاشی بود، ۶۹ درصد از مردم کاغذهای تبلیغی را روی زمین رها کردند. در واقع، به دلیل تعمیم قانون‌شکنی، رفتار بیش از دو برابر تکرار شده بود.

در کلاس درس نیز، همانند جامعه، امکان گسترش بی‌نظمی و بی‌قانونی وجود دارد. معلم مقتدر باید روی تک‌تک قانون‌های کلاس درس خود بایستد. وگرنه، طبق پژوهش بالا، بی‌نظمی و کم شدن تسلط معلم در کلاس درس تعمیم پیدا می‌کند و معلم را مجبور می‌کند برای برگرداندن کلاس درس به حالت معمول، به رفتارهای نامناسب دست بزند. این موضوع هم بر رابطه معلم و دانش‌آموز تأثیر می‌گذارد و هم بر قانون‌هایی که بعداً خواهد گذاشت. تسلط معلم در کلاس درس به کمک قانون‌هایی که از قبل تعیین کرده است، چارچوب و نظام تسلط او بر کلاس درس را مشخص می‌کند.

یک آزمایش ساده

با آزمایشی ساده می‌توانید بررسی کنید میزان اقتدارتان در کلاس به چه میزان است؟

میزان انرژی و زمانی که صرف می‌کنید تا کلاس پرسروصدای خودتان را بدون زور، اجبار و تهدید به حالت قبل برگردانید، چقدر است؟

در خاطرات یک معلم خواندم: آن‌قدر

از جمله «دیگه صحبت نکنید» استفاده کرده بودم که حالم از آن بد می‌شد. تصمیم گرفتم با دانش‌آموزان خود جلسه‌ای برگزار کنم و با آن‌ها در این باره صحبت کنم. بعد از طرح مسئله، خود دانش‌آموزان شروع کردند به نظر دادن در مورد صحبت کردن در بین تدریس معلم. جالب این است که برای خودشان تنبیه‌هایی مثل اخراج از کلاس یا کم کردن نمره یا تنبیه فیزیکی ارائه دادند. من چون تازه با قانون‌های پیامد رفتار آشنا شده بودم و می‌دانستم اگر قانون کلاس اخلاقی نباشد و تناسب رفتار و پیامد درست چیده نشود، قانون زیر پا گذاشته خواهد شد، پیشنهاد دادم ما در کلاس ۱۰ دقیقه زمان برای صحبت با یکدیگر اختصاص دهیم و در صورتی که صحبت‌های بچه‌ها در حین تدریس من ادامه یابد، آن‌ها ۱۰ دقیقه حق گفت‌وگو در کلاس درس را نداشته باشند. همه بچه‌ها پذیرفتند. بعد از این قانون‌گذاری، چند بار در حین تدریس، دانش‌آموزان با هم صحبت کردند و من با مهربانی به آن‌ها گفتم متأسفانه و بر خلاف میل باطنی، ۱۰ دقیقه از زمان گفت‌وگوی کلاسی را از شما سلب می‌کنم. وقتی با اعتراض مواجه می‌شدم، توافق انجام شده را یادآوری می‌کردم. از آن پس، استفاده من از جمله «دیگه صحبت نباشه» به حداقل رسید و مجبور به تهدید، تخریب و تنبیه هم نشدم. اما هیچ‌گاه قانون را زیر پا نگذاشتم.

معلم مقتدر می‌تواند گروه خود را همانند رهبر ارکستر رهبری کند. به نظر می‌رسد معلم مقتدر می‌تواند انرژی کمتری را صرف کنترل کلاس کند و با تمرکز و آرامش بیشتر به یادگیری دانش‌آموزان کمک کند.

در شماره بعد تلاش می‌کنیم در مورد تفاوت‌های تنبیه و پیامد صحبت کنیم که بعضی وقت‌ها معلمان آن‌ها را با هم اشتباه می‌گیرند.